

آینه

کیمان

امنیت اقتصادی با اقتدار موشکی

● **محمدحسین محترم:** این ادعای جریان غربگرا که مقاومت موجب تهدید جنگ و مشکلات اقتصادی می‌شود، آشکارا برای مردم رنگ باخت و نشان داد این مقاومت است که موجب امنیت اقتصادی خواهد شد و ثابت کرد امنیت اقتصادی رابطه‌ای مستقیم با قدرت نظامی و توان بازدارندگی دارد. سقوط دلار هم‌زمان با شلیک موشک‌های مزین به شعار «مرگ بر آمریکا» روشن کرد که ادعای کسانی که شعار «مرگ بر اسرائیل» بر روی موشک‌ها را بر خلاف اقدامات دیپلماتیک و مانعی در مسیر مذاکره برای حل مشکلات اقتصادی القا می‌کردند، از بنیان غلط است. به دیگر سخن، شلیک موشک‌ها موجب آرامش بازار اقتصادی ایران و آشفتگی بازار نفت و اقتصادی آمریکا و جهان شد؛ به‌طوری‌که یک روز بعد از حمله موشکی ایران به سه‌مایلی آمریکایی‌ها در سوریه، بهای نفت‌خام سبک و سکنین شاخص نیویورک، وست نگرش و اینترمدیت به بالاترین میزان خود از ماه نوامبر ۲۰۱۴ تاکنون رسید و نفت‌خام سبک برنت دریای شمال که مهم‌ترین مرجع قیمت‌گذاری نفت در بازارهای بین‌المللی و پایه‌ای برای قیمت‌گذاری دیگر انواع نفت در بازار اروپاست، برای تحویل در ماه نوامبر، یعنی همان زمانی که آمریکا می‌خواهد تحریم‌ها علیه ایران را رسماً اعمال کند، با افزایش دو دلار و ۲۵ سنت، ۸۵ دلار معامله شد. قیمت هر گالن بنزین نیز در آمریکا از حدود دو دلار به سه دلار افزایش یافته و کارشناسان انرژی آمریکا در شبکه سی‌ان‌ان قیمت چهار دلار را در هفته‌های آینده پیش‌بینی کردند. لذا افزایش قیمت نفت و کاهش قیمت دلار که واکنشی به فشارهای اقتصادی آمریکا بود، به همراه شلیک موشک‌ها را باید هم‌تراز تهدید به بستن تنگه هرمز تلقی و ارزیابی کرد و نشان داد هرگونه فشاری بر اقتصاد ایران تأثیر مستقیم و فوری بر اقتصاد و امنیت کشور تحریم‌کننده و کشورهای منطقه و جهان خواهد داشت.

ایران

عربستان کانون بحران

● **عباس عبیدی:** ... عربستان درحال حاضر به‌جز درآمدهای نفتی و آب‌خاکی به آن، هیچ ایده اجاب‌ی دیگری برای هویت‌بخشی ندارد. در میان اسلامیت و فرهنگ جدید نیز سرگردان است. به‌جای مبارزه با اسرائیل و آزادسازی فلسطین، هم‌پیمان اسرائیل شده است. مشغول کشتار کودکان یمنی و عرب است. هیچ افق روشنی از آینده ارائه نمی‌کند، سهل است که ترامپ آنها را تحقیر و به چشم گاو شیرده به آنها نگاه کند. سنت سیاسی خرابش عربستان را نابود کرده ولی هیچ چیز جایگزین آن ندارد. از همه بدتر اینکه سیاست توسعه‌طلبانه آن در منطقه وبال گردنش شده است؛ به‌طوری‌که با ترکیه نیز مشکلات جدی پیدا کرده است. حتی با کشورهای هم‌پیمان و نزدیک خود مثل قطر دچار بحران شده است. این بحران‌ها از طریق رسانه است که برجسته می‌شود و روزنامه‌نگاران در خط مقدم این جبهه خواهند بود. بنابراین آنان متوسل به ترور و ساکت‌کردن منتقدان می‌شوند. تا آنجا که بتوانند پول می‌ریزند و آنان را می‌خرند. شبکه‌های تلویزیونی حتی برای کشورهای منطقه راه‌اندازی می‌کنند. ولی طبیعی است که همه را نمی‌توان با پول خرید، در نتیجه دست به خشونت و حذف فیزیکی می‌زنند. رژیم‌ی که در یمن زمین‌گیر شود و فقط با تزریق پول‌های نفت جلوی بی‌آبرویی را بگیرد، فاقد ثبات و پایداری خواهد بود. یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های بحران موجود در منطقه، تغییرات در ساختارها و سیاست‌های عربستان سعودی است. فاصله میان عربستان ملک عبدالله با عربستان محمد بن‌سلمان آن‌قدر زیاد است که آنجا را به کانون بحران تبدیل کند.

اقتصاد

دور شدن آمریکا از بن‌بست

● **عبدالصفا فرجی‌را:** آمریکایی‌ها در طول یک سال گذشته هرچند تبلیغ کردند که قصد دارند فروش نفت ایران را به صفر برسانند، اما واقعیت آن است که به‌صفررساندن فروش نفت ایران با فشار بر کشورهای مختلف همراه است و این احتمال وجود دارد چنین اقداماتی با عکس‌العمل ایران روبه‌رو شود. از همین‌رو آنها قصد ندارند ایران را وادار به عکس‌العمل کنند؛ زیرا نمی‌توانند شاهد اقدامات غیرقابل پیش‌بینی ایران باشند. طبیعتاً سعی می‌کنند به نحوی اجازه دهند صادرات نفت ایران ادامه پیدا کند... بعضی از کشورهای مهم مانند هند و چین اعلام کردند که قصد دارند حتی با پرداخت روتیه و یوان از ایران نفت خریداری کنند. از همین‌رو آمریکا قصد ندارد که با همه این کشورها به صورت یکجا درگیر شود. وقتی که بخواهد این کشورها را جریمه کند به این معنی است که با دنیا درگیر می‌شود. نتیجه این اقدام برای آمریکا مشخص نیست. هرچند ممکن است که در مرحله اول آمریکا ضربه‌ای را وارد کند، جریمه‌های سختی برقرار کند یا شرکت‌هایی را از ارتباط با ایران محروم کند، اما تجربه ثابت کرده است که این کشورها نیز عکس‌العمل نشان می‌دهند. به‌ویژه چینی‌ها که اکنون شاهد آن هستیم که چین به تعرفه‌های آمریکا پاسخ متقابل می‌دهد.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

گذر از مقاومت به تهاجم



عکس: عهسن آزاده چیلان

دست سیدقطب تحولی اساسی یافت و روند تدریجی تبدیل موضع انتقادی سلبی علیه مدنیّت غرب به زمانه نامید. شاید هیچ توضیفی بیش از توصیف خود سید قطب در معرفی روحیه ناآرام و دگرشور وی گویا و روشنگر نباشد. عبدالفتاح الخالدی نویسنده کتاب سید قطب من المیلاد الی الاستشهاد ضمن شرح فهرستی از مجادلات و معرکه‌های ادبی سیدقطب، این سخن را از وی نقل می‌کند: «شاید اولین شیفته جنگ و جدال ادبی با هر میزان از شدت و خصومت و جنجال باشم و این بدان علت است که دشمنی زنده و پرتکاپو را بهتر از صلح را‌کد و مرده می‌دانم. فریاد و صدای طوفان بهتر از سکوت و سکون است». (خالدی، ۱۹۹۱: ۱۶۸-۱۸۹)

دوران حیرت

او پس از فاصله‌گرفتن از عقاید سنتی در دوران اقامت در قاهره، کمنه دورانی از شک و تردید در باورهای گذشته از جمله باورهای سنتی دینی را طی می‌کرد. شاید همکاری ادبی او با برخی مجلات وابسته به طیف چپ مارکسیستی در مصر نشانه‌ای از فضای فکری همین دوران از زندگی او باشد. در عین حال با قاطعیت می‌توان گفت که شک و تردید او هرگز به مرحله تردید در اصل دین نرسید. تا سال ۱۹۴۴م به مدت ۱۷ سال عضو حزب وفد بود. در این سال و در پی بروز اختلاف با انشعاب در حزب، به حزب سعدونیین شاخه انشعابی از حزب وفد پیوست. اما افکار و روش‌های محافظه‌کارانه و تسلیم‌طلبانه در برابر وضع موجود و عدم عزم جدی در تغییر مناسبات قدرت که تابعی از اراده و سیاست‌های استعماری انگلستان در جامعه سیاسی آن روز مصر بود، روح سرکش و عدالت‌خواه قطب را ارضا نمی‌کرد، از این رو ناامید از اصلاح در سال ۱۹۴۵م حزب سعدونیین را ترک کرد و اعتقاد خود را به فعالیت حزبی از دست داد.

تولد ایمان نوین دینی: دوران گذار

در سال ۱۹۴۵م سید قطب سرخورده و بی‌اعتقاد به مکتب مادی و اندیشه ناسیونالیستی و احزاب مدّعی آن که در این‌دوره از حیات مصر درخشش خیره‌کننده‌ای داشتند، اوّلین مواجهات خود را با چشم‌اندازهای نوین دینی تجربه کرد. هنگام قرائت سوره فجر تصویق‌های تشبیلی و تشبیهی در آیات وَ الَّذِیلِ إِذَا عَسْفَسَ» (تکویر: ۱۷) قطب ادیب و هنرشناس را متوجه عجزهای جدید و ناشگوفی از قرآن می‌کند. این آشنایی انگیزه‌ای می‌شود برای تألیف کتاب‌های التصور الفنی فی القرآن (سال ۱۹۴۵م) و مشاهد القیامه فی القرآن (سال ۱۹۴۷م) از این مرحله دوران تحول او به سوی ایمان نوین مذهبی آغاز می‌شود.

کتاب عدالت اجتماعی در اسلام در واقع بیانگر انتخاب جدید و نهایی روح تشنه و سرگردان سید قطب است. در سال ۱۹۴۸م به آمریکا سفر کرد و پس از دو سال به مصر بازگشت. مشاهده جامعه سرمایه‌داری و مصرفی آمریکا او را در ایمان به اسلام و ارزش‌های معنوی آن راسخ‌تر کرد. کتاب الاسلام و الراسالیّه را که در دوران اقامت در آمریکا در اثبات همین برتری نوشته بود، پس از بازگشت در سال ۱۹۵۱م منتشر کرد. با انتشار کتاب‌های السلام العالمی و الاسلام و دراستان اندیشه‌های سال ۱۹۵۱و ۱۹۵۳م، او دیگر به چهره نظریه‌پرداز اسلامی و مورد توجه مسلمانان معتقد اخوانی تبدیل شده بود.

شخصیت‌های فکری الهام‌بخش سیدقطب

پیش از آنکه سید قطب جذب اندیشه‌های حسن البناء شود و آن زمان که دارای گرایش‌های اعتدالی دینی بود، تحت تأثیر مکتب تفسیر ادبی قرآن و اندیشه‌های شیخ امین الخولی پایه‌گذار این مکتب قرار داشت. کتاب‌های الفن القصصی فی القرآن و مشاهد القیامه حاصل اندیشه‌های قرآنی سید قطب در این مکتب تفسیری است. سید قطب با وجود آنکه در مرحله بعد به اسلام رادیکال سیاسی تمایل یافت به روش و مبانی تفسیری این مکتب متعهد ماند. در این دوره اندیشه‌شده سه متفکر مسلمان در شکل‌گیری اندیشه‌های دینی جدید سید قطب تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشتند؛ حسن البناء رهبر اخوان یکی از این متفکران است. ابوالاعلی مودودی و ابوالحسن ندوی متفکران مسلمان شبه‌قاره دو شخصیت تأثیرگذار دیگر در افکار سید قطب بودند. تجربه مشترک جوامع اسلامی در یکصد سال مواجهه با غرب، متفکران مسلمان این جوامع را به سوی ایده‌های مشابه سوق می‌داد. پس از به‌حاشیا‌راندن‌شدن جنبش اصلاح دینی و آشکارشدن ناکامی جنبش‌های ناسیونالیستی و سکولار از تحقق اهداف و آرمان‌های ملی، از نیمه قرن بیستم به این‌سو و به‌عنوان تجربه‌ای یکسان، نوعاً شاهد سر برآوردن بنیادگرایی اسلامی با رویکردی انقلابی و صبغی‌ای پیوپولیستی در جوامع مذکور هستیم. ازاین‌رو آبخشور بنیادگرایی اسلامی تنها در درون مصر نبود، بلکه از متفکران جوامع اسلامی غیرعرب نیز تغذیه می‌کرد. ابوالاعلی مودودی و ابوالحسن ندوی از مهم‌ترین متفکران غیرعربی بودند که بر اندیشه بنیادگرایی مصر تأثیر آشکار و تعیین‌کننده برجای گذاشتند. اندیشه‌های بنیادگرایان حسن البناء، در نیمه دوم قرن بیستم به

خدای متعال است» (مودودی، تدوین‌الدستور الاسلامی؛ ۱۸)، و از این‌رو «حق قانون‌گذاری از انسان سلب شده است و هر کس قانون خدا را رها کند و به قانونی کردن نه‌د که خود آن را وضع کرده یا دیگری برایش وضع کرده است، طاغوت، باغی و خارج از اطاعت حق است» (مودودی، الحکومه‌الاسلامیه؛ ۱۶) «هدف اصلی بعثت انبیا اقامه حاکمیت خداوند بر زمین بوده است» (مودودی، الحکومه‌الاسلامیه؛ ۱۸) به عقیده مودودی «مزیت دولت اسلامی آن است که بر مفهوم حاکمیت خداوند واحد بنا شده است، در نتیجه در این حکومت امر و حکم و تشریع، جلگمی مختص خداوند است و نه هیچ‌کس دیگر... جامعه‌ای که در آن قانون‌گذاری و قانون بشری و حاکمیت تشریع از آن غیر خدا باشد، جامعه‌ای جاهلی است» (مودودی، منهاج انقلاب الاسلامی؛ ۲۰).

دین حاکمتری ایدئولوژیک

اسلامی که سید سیدقطب بدان می‌خواند دینی ایدئولوژیک و حداکثری بود؛ دینی که همه‌چیز را در خود دارد و هیچ نیازی به دستاوردهای معرفت بشری که بنیادش بر شرک و اتحاد است، ندارد؛ دینی که برای همه ابعاد و اجزای زندگی انسان حکمی دارد و «هرکس از تعامیت آن بی‌گم‌وکاست پیروی کرد، مؤمن و داخل در این خداسنت و هرکس حتی در یک حکم آن از دیگری پیروی کرد، هرقدر که بر مسلمانی خود تأکید و احترام خود را به اعتقادات اسلامی اعلام کند، متجاوز به الوهیت خداوند و خارج از دین است، زیر پیروی او از قانونی غیر از قانون خداوند، ادعای او را باطل و خروج او را از دین خداوند مسجل می‌سازد» (سید قطب، ۱۹۹۵: ۱۹۲-۱۹۳). بنابراین از نظر سید قطب، اسلام نه صرفاً عقیده است و نه عمل به عبادات و احکام در حوزه‌های فردی و عمومی، بلکه روشی جامع مبتنی بر عقیده و نظامی مبتنی‌بر الوهیت خداوند و حاکم بر زندگی است که شرایع و قوانین خود را در اداره امور جامعه فقط از خداوند اخذ می‌کند (سید قطب، ۱۹۷۷: ۱۲۶). مابقیه نخواهد بود.

اگر بگوییم که دین در نگاه سید قطب یک ایدئولوژی تمام‌عیار و حداکثری است. آن‌چنان که به‌سادگی می‌توان در آثار او تقریباً همه جا بدون تکرانی از تغییر معنا و مراد عبارت، واژه «ایدئولوژی» را جانشین واژه «منهج» کرد.

جامعه جاهلی از نظر سید قطب مفهومی وسیع‌تر از آن چیزی داشت که متعارف اذهان مسلمانان معتقد تا آن زمان بود. از نظر او الوهیت خداوند

که مانند هر دین توحیدی دیگری مبنای عقیده اسلامی است، بدون تحقق حاکمیت خداوند تحقق‌پذیر نیست. بنابراین آفراره الوهیت خداوند متضمن آفراره حاکمیت اوست و آفران نکردن به یکی، متضمن اعتراف نکردن به دیگری و موجب درغلطیدن جامعه به جاهلیت است. از این رو جامعه یا جاهلی است یا اسلامی. حاکمیت الهی و اعتراف به الوهیت خداوند مختص جامعه اسلامی است؛ جامعه‌ای که تحت حاکمیت الله نیست، اگر چه به الوهیت خداوند باور داشته باشد -مانند همه جوامع مسلمان امروز-، جامعه‌ای جاهلی است. همان‌گونه که جوامع غیرمسلمانی که تحت حاکمیت الله نیستند، جوامع جاهلی محسوب می‌شوند. سید قطب در این نظر نیز پیرو مودودی است. او در تفسیر آیه ۸۴ سوره هود، «و به [اهل] مدین برادرشان شعبی را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من، خدای یکتا را بپرستید، شما را جز او خدایی نیست و پیمان‌ه و ترازو را مکاهد من شما را در خوشی و آسایش می‌بینم و بر شما از عذاب روزی فراگیر می‌ترسم». ضمن ارجاع به کتاب التفسیرشن به الاربعه^۳ نوشته مودودی تصریح می‌کند: «عبادت یعنی اطاعت‌کردن به صورت کامل و تنها برای خداوند در تمامی شئون دنیا و آخرت... اطلاق لفظ عبادت بر شعار تعبدی به این اعتبار است که این شعار صورتی از صور اطاعت از خداوند در شانی از شئون هستند. بنابراین اطلاق عبادت به شعار تعبدی بالعرض است، تسلیمشدن به پس از آن که مدلول «دین» و مدلول «عبادت» در ذهن مردم در هم آمیخت، چنین فهمیدند که عبادت غیر خدا که موجب خروج از اسلام به جاهلیت می‌شود، فقط همان انجام شعارن تعبدی برای غیر خداوند مثلاً برای بت‌ها است و انسان اگر از آن اجتناب ورزد، از شرک و جاهلیت فاصله گرفته و مسلمان است. با تکیفیرش جایز نیست و از تمام حقوق و مزایایی که یک مسلمان در جامعه اسلامی مانند محفوظ‌بودن خون و آبرو و مال... برخوردار است. این یک توهم باطل و تقلیل و فروکاستن و بلکه تبدیل و تغییر در مدلول لفظ «عبادت» ی است که مسلمان به وسیله آن به اسلام وارد یا از آن خارج می‌شود و آن مدلول همان اطاعت کامل از خداوند و در تمامی شئون و در اطاعت از غیر خداوند در تمامی

شئون است. مدلولی که لفظ مذکور در اصل لغوی خود افاده می‌کند؛ بنابراین از نظر سیدقطب میان شعارن تعبدی و نظام زندگی هیچ جدایی وجود ندارد. اعتراف به حاکمیت خداوند در حوزه شریعت تعبدی، مقتضی اقرار به الوهیت و حاکمیت او در حیات و مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... است و انکار یا اعتقادداشتن به حاکمیت خداوند در هر یک از این دو حوزه، شرک و به معنای خروج از اسلام و مسلمانی است.

جهاد

جهاد جزء ذات و طبیعت اسلام و لازمه نقش آن در زمین و اهداف بلندی است که خداوند برای آن مقرر فرموده است. در این دین آمده است تا با شعار الوهیت خداوند، آزادی انسان را از عبودیت بشر اعلان کند و الوهیت خداوند چیزی جز انقلاب فراگیر و همه‌جانبه علیه صور مختلف حاکمیت بشر نیست... اعلان الوهیت خداوند یعنی بازپس‌گیری قدرت غضب‌شده خداوند از بشر و بازگردانن آن به خداوند.» (سیدقطب، ۱۹۹۵: ۱۴۳۳) «اقامه پادشاهی خداوند و از بین‌بردن پادشاهی بشر و گرفتن قدرت از دستان غاصب بندگان و برگرداندن آن به خداوند و سیادت شریعت الهی و الغای قوانین بشری (استقرار الوهیت و حاکمیت الله)، همه اینها تنها با تبلیغ و بیان ممکن نیست زیرا حاکمان و غاصبان قدرت خداوند در زمین تنها با تبلیغ و بیان، تسلیم نمی‌شوند و اگر نه سادەتر تا ز عمل رسولان در استقرار دین خداوند در زمین کاری وجود نداشت...» (سیدقطب، ۱۹۷۷: ۱۰۱-۱۰۲) طبیعتاً رسالت و مسئولیت اصلی در این راه بر عهده طلایه‌داران جنبش اسلامی و پیشتازان و به تعبیر خود او «نواه» یا «الجماعه‌المسلمه» است. (سیدقطب، ۱۹۷۷: ۱۲۶) در اندیشه سیاسی سیدقطب و علی‌رغم عقاید او محور و عنصر اصلی قدرت است و نه دین مقدس. در اندیشه سیاسی او وجه سیاست و قدرت یا به عبارت بهتر، ایدئولوژی حداکثری معطوف به قدرت و تضاد، به نحوی قاطع بر وجه دین و ارزش‌های دینی تبلیه دارد. به عنوان نکته پایانی ناگزیر از ذکر این واقعیت هستیم که تلاش سیدقطب آن بود که خدائشاسی بنیادگرایانه اثیمیه و ابن‌لقیم جوزی، نظریه‌پردازان بزرگ عالم تسنن در قرن هشتم هجری را احیا کند. او سودای خلق الکوی ایدئولوژیک، انگیزه تمامیت‌خواهانه، از جمله: الهام‌بخشی، انگیزه‌بخشی، ساده‌سازی واقعیت، جزم‌گرایی، هویت‌بخشی به پیروان خود در عین نفی دیگری، معطوف‌بودن به تغییر، تصویرگری جامعه‌ای آرمانی و... ارائه دهد. به‌صضرت، باید گفت که در این کوشش، مارکسیسم به نحو گسترده و آشکاری الهام‌بخش او بوده است. قطبی‌سازی و دوگانه‌های آشتی‌ناپذیر او نظیر جامعه اسلامی-جامعه جاهلی-حاکمیت الله-حاکمیت طاغوت، پادشاهی خداوند- پادشاهی بشر و... یادآور ایدئولوژی مبتنی بر تضاد مارکسیستی است. به‌سادگی می‌توان آموزه‌های مفاهیم متناظر با آموزه‌های ایدئولوژیک او را در ایدئولوژی مارکسیسم‌لنینیسم به دست داد. جامعه جاهلی در ایدئولوژی سیدقطب به جای جامعه سرمایه‌داری در ایدئولوژی مارکسیستی نشسته و جامعه اسلامی تحت حاکمیت الله در تعریف او یادآور جامعه نهایی کمونیستی، طلایه‌داران جنبش اسلامی در اندیشه او متناظر با حزب پیشتاز انقلابی در اندیشه مارکسیسم

لنینیسم، انحرال و جدایی طلایه‌داران جنبش اسلامی به منظور پاک‌شدن از شوائب و آلودگی‌های جامعه جاهلی در تعلیم او یادآور توصیه‌های مارکسیسم‌لنینیسم به مبارزان، مبنی بر تلاش برای رهاشدن از خصلت‌های خرده‌بورژوازی و جهاد در تعریف او هم معنا با جنبش مبارزه مسلحانه برای سرنگونی حکومت‌های وابسته امپریالیسم و مولود سرمایه‌داری است. حسن الهضینی، رهبر اخوان‌المسلمین، پس از سیدقطب و در انتقاد از افکار او گفت: «بی‌معنی است که آیین اسلام را بر اساس حاکمیت تعریف کرد و به عنوان یک اصل اظهار داشت فقط کسانی که اعتقدند حاکمیتی تحت حاکمیت الله نیست، مسلمانند. بعضی ایمان خود را بر سر اصطلاحی می‌گذارند که ساخته انسان، خطا و عاری از قداست است و با هیچ یک از آیات قرآن یا گفته‌های پیامبر سازگار ندارد». (کویل: ۱۳۶۶: ۶۶) این همه که فگتیم به هیچ‌وجه به معنای بی‌نیازی ما از تفسیر فی‌ظلال و انکار جنبه‌های جذاب و دریافت‌های نغز و دل‌انگیز آرای تفسیری سیدقطب نیست. تفسیر فی‌ظلال سرشار از نکات و دقایق تفسیری تأمل‌برانگیز است. این بخش‌های فی‌ظلال که ناشی از توانمندی ادبی و هنری سیدقطب و نیز تأثیرپذیری او از مکتب تفسیر ادبی قرآن و اندیشه‌های امین الخولی است، همان جنبه‌هایی است که به سید قطب به اهمیت و اهمیت بخشیده است. پس از سیدقطب برخی از متفکران و علاقه‌مندان به او کو‌شنیدند تفسیری اعتدالی و اصلاح‌طلبانه از آرای وی به دست دهند و مانع از سوءاستفاده از اندیشه‌های او از سوی جریان‌های فرقه‌ای و افراطی شوند. یوسف العظم، رهبر برجسته اخوان‌المسلمین اردن، یکی از همین شمار است که فضات او شاید مضانفاه‌ترین و عالمانه‌ترین فضات‌ها در حق سیدقطب باشد. او ضمن ارائه تفسیری اصلاح‌طلبانه از اندیشه‌های سید، وجود ایده‌ها و افکار غیرقابل پذیرش در آثار او به‌ویژه فی‌ظلال‌القرآن و معالیمی‌الطرق را نفی نمی‌کند. او معتقد است اندیشه‌های افراطی در این دو اثر در حقیقت حاصل شرایط واکنشی روحی سید در دوران مرارت‌بار و وحشتناک زندان بوده است.

حسین الهضینی، رهبر اخوان‌المسلمین، پس از سیدقطب و در انتقاد از افکار او گفت: «بی‌معنی است که آیین اسلام را بر اساس حاکمیت تعریف کرد و به عنوان یک اصل اظهار داشت فقط کسانی که اعتقدند حاکمیتی تحت حاکمیت الله نیست، مسلمانند. بعضی ایمان خود را بر سر اصطلاحی می‌گذارند که ساخته انسان، خطا و عاری از قداست است و با هیچ یک از آیات قرآن یا گفته‌های پیامبر سازگار ندارد». (کویل: ۱۳۶۶: ۶۶) این همه که فگتیم به هیچ‌وجه به معنای بی‌نیازی ما از تفسیر فی‌ظلال و انکار جنبه‌های جذاب و دریافت‌های نغز و دل‌انگیز آرای تفسیری سیدقطب نیست. تفسیر فی‌ظلال سرشار از نکات و دقایق تفسیری تأمل‌برانگیز است. این بخش‌های فی‌ظلال که ناشی از توانمندی ادبی و هنری سیدقطب و نیز تأثیرپذیری او از مکتب تفسیر ادبی قرآن و اندیشه‌های امین الخولی است، همان جنبه‌هایی است که به سید قطب به اهمیت و اهمیت بخشیده است. پس از سیدقطب برخی از متفکران و علاقه‌مندان به او کو‌شنیدند تفسیری اعتدالی و اصلاح‌طلبانه از آرای وی به دست دهند و مانع از سوءاستفاده از اندیشه‌های او از سوی جریان‌های فرقه‌ای و افراطی شوند. یوسف العظم، رهبر برجسته اخوان‌المسلمین اردن، یکی از همین شمار است که فضات او شاید مضانفاه‌ترین و عالمانه‌ترین فضات‌ها در حق سیدقطب باشد. او ضمن ارائه تفسیری اصلاح‌طلبانه از اندیشه‌های سید، وجود ایده‌ها و افکار غیرقابل پذیرش در آثار او به‌ویژه فی‌ظلال‌القرآن و معالیمی‌الطرق را نفی نمی‌کند. او معتقد است اندیشه‌های افراطی در این دو اثر در حقیقت حاصل شرایط واکنشی روحی سید در دوران مرارت‌بار و وحشتناک زندان بوده است.

ادامه از صفحه اول

با آمایش می‌توانیم

این تفاوت‌ها ایجاب می‌کند ایران به عنوان کشوری باستانی با فرهنگی غنی و گذشته‌ای پرفراختر، خود را با جهان امروز تطبیق دهد و تولید و تجارت خود را با معیارهای نو بسنجد. صادرات ایران، از زعفران و ماهی و فرش دست‌بافت و نیز مواد هیروکربوری- نفت و گاز و پتروپیان-، گرچه رابطه مستقیمی با استعدادهای تولید مناطق گوناگون ایران دارد، اما به‌خوبی نشان می‌دهد از استعدادهای بالقوه صنعتی عصر حاضر در حد کافی بهره‌مند نشده است. در اینجاست که دید آمایشی به موضوع نه تنها چشم‌اندازهای گسترده‌ای را در برابر دیدگان ما به تصویر می‌کشد. آمایش تولید و صنعت و تجارت می‌گوید باید پیشرفت‌های علمی برای سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه در ایران فراهم شود. دید مسئولان باید از حدود مرزهای ایران بالاتر رود و فعل و انفعالات اقتصادی در سطح منطقه تحلیل شود. آمایش سرزمین هشدار می‌دهد خود را در دام‌های رقبای منطقه‌ای و زیاده‌خواهان بین‌المللی نیندازیم. فراز و نشیب سیاسی و اقتصادی در سطح کشور و منطقه آسیای غربی همواره وجود داشته و خواهد داشت.شمار تولیدات ایران هرچه کمتر باشد، راه را برای تأمین نیازمندی‌های ۸۰ میلیون مردم ایران از‌سوی قدرت‌های صنعتی بازت می‌کند. ایران باید برای پیشرفت، خود را به چند اصل تبدیل نکند، نخست، برای پیشرفت صنعتی و اقتصاد و اجتماعی، باید خود را عضوی از جامعه بین‌المللی و بخش کوچکی از جمعیت جهان بداند. کره‌زمین یکی از میلیاردها کره‌ای است که در فضای بی‌انتهای کبی در گردش است. می‌توان ضمن تلاش برای هویت حیثیت، با مردم همین کره‌ای که بخشی از آن هستیم، تعامل سازنده برقرار کرد. نقش ایران و فرهنگ ایرانی را در این فرایند نباید دست کم گرفت. نشان به آن نشانی که به محض تأسیس سازمان ملل متحد- که برای اتحاد جهانی و دوری از تک‌روی و انزوا به وجود آمد- پیشگامان آن سازمان کلام سعدی را گفته بود «نی آدم اعشای یکدیگردند که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار»، و داشته و بر سر‌در آن حک کردند. دوم اینکه نباید از رولارویی با بحران‌های جهانی، چه بحران‌های طبیعی مانند سیل و توفان و زلزله، یا بحران‌های سیاسی حاصل از بازی قدرت‌مندان بین‌المللی (که هر دو مورد اکنون به آوج خود سرسپندانند)، هراسید. می‌توان با آنها مقابله کرده یا از آنها فاصله گرفت، اما با دنیای خارج قهر نکرد. سوم اینکه صنعتی‌شدن و پیشرفت بازرگانی یک کشور مستلزم شناخت جهان و ویژگی‌های آن از سوی کسانی است که در این راستا فعالیت دارند. مهاجرت یا حرکت مردم از یک نقطه به نقاط دیگر، وسیله بسیار مؤثری در یادگیری و کسب تجربه است. ایران نباید خود را در قرن‌طینه نگه دارد و مهاجران را سرزنش کند. چهارم اینکه از تجربیات جهان، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، می‌توان پندهای بسیار ارزشمندی آموخت. همین اروپایی که امروز در جهان به‌لحاظ فرهنگ سیاسی و صنعت و تجارت و پیشرفت‌های علمی مقام نخست را دارد، پیش از جنگ جهانی دوم ترکیب نحسی از یک گروه کشورهای ناسازگار باهم بود. بیش از صد میلیون مردم بی‌پناه اروپایی در دو جنگ جهانی مذکور نابود شدند. پس از جنگ بود که اتحادیه اروپا تشکیل شد و همبستگی و تلاش مشترک را جایگزین برخورد‌های همسایگی کرد. ما چرا نتوانیم با کشورهای همسایه خود پیمان همکاری در فضایی مشارکت را به وجود آوریم؟ این پیام آمایش است.

ادامه از صفحه ۴

«سخن و زبان نامیرا»

از همین‌رو برای کشف و حراست از آنها هزینه‌های هنگفتی صرف می‌کنند. مدتی است که نهاد مرجع حفاظت از میراث مکتوب کشور، تلاشی را برای حفظ و بازگردانی نسخ تاریخی ارزشمند آغاز کرده و نسخ ارزشمند بسیاری به گنجینه‌کشور افزوده است، اما این کوشش در ابتدای مسیر خود قرار دارد و دوام‌یافتن آن به یک تعاون جمعی نیازمند است. سازمان اسناد و کتابخانه ملی اراده و توانی متناسب با این امر خطیر به کار گرفته تا بتواند از همه ظرفیت‌های کشور برای این مهم بهره گیرد و هم‌زمان با تقویت اقدامات برای احیای آثار فعلی، در راستای مردم‌محورکردن این وظیفه فرهنگی، یعنی عمومی‌کردن «فرهنگ اهدا»، آثار فرهنگی برای حفظ و حراست کامل از آنها، اقداماتی را آغاز کرده است. فرهنگ جهانی اهدا در همه دنیا، یکی از راه‌های تقویت میراث مستند ملت‌ها و دارای قدمت بسیاری است و به بخشی از حیات مدنی ملت‌ها تبدیل شده اما ما در کشورمان هنوز نگاهی غریملی به میراث فرهنگی و تمدنی‌مان داریم. امروز لازم است همه فرهنگ‌دوستان پیامی خطیر را به جامعه منتقل کنند؛ آثار خطی، اسناد تاریخی و میراث مکتوب سرمایه و اندوخته اشخاص خاص نیست، بلکه به همه مردمان این خاک تعلق دارد و به همین سبب حفظ و معرفی نسخ گران‌مایه باید به دغدغه‌های عمومی تبدیل شده و به کامل‌ترین شیوه انجام شود. در این مسیر همه دوستداران فرهنگ ایرانی می‌توانند به سهم خود یاری‌گر ما در غنی‌ترکردن گنجینه میراث فارسی‌باشند؛ حافظان میراث حافظ باشند و همتشان را بدرقه راهمان کنند که دراز است ره مقصد و ما نوسفریم...

❖ **رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران**